

محمد حسین کریمی
استادیار زبان و ادبیات فرانسه
دانشکده زبان‌های خارجی

یادی از «ژول مول»*

به مناسبت یکصدمین سال درگذشت او ✪

امسال، که پنجمین سال برگزاری «هفته فردوسی» است، مصادف با یکصدمین سال درگذشت مترجم شاهنامه، خاورشناس نامدار فرانسوی، ژول مول است. خدمات بزرگی که این مرد با همت و دانشمند به زبان و فرهنگ ملی ما نموده است، ایجاب می‌کند که به این مناسبت از وی بزرگداشتی بعمل آید و به پاس رنج‌های توان‌فرسایی که برای شناساندن شاهکار بزرگ استاد طوس به مردم مغرب زمین بر خود هموار داشته است، در دانشگاه فردوسی، یاد او گرامی داشته آید.

این فرصت بیش‌تر از آن‌روی مغتنم بنظر می‌رسد که ژول مول، با آنکه بیش از چهل سال از عمر کرانبهای خود را صرف ترجمه شاهنامه فردوسی و بدست دادن

* - Jules - Mohl

✪ سخنرانی نویسنده در پنجمین هفته فردوسی در آبان‌ماه ۲۵۳۵ در دانشگاه فردوسی (مشهد)

چاپی نفیس و زیبا از متن کامل فارسی آن کرده است، چنانکه باید بهم میهنان ما شناسانده نشده است؛ به گونه‌ی که، جز چند سطر نارسا که در «فرهنگ خاورشناسان» تألیف ابوالقاسم سحاب آمده، هیچ مطلب مستقلی به زبان فارسی دربارهٔ این دانشمند کم مانند نوشته نشده است. این که گفتم مطلب مستقلی دربارهٔ ژول مول نوشته نشده است از آن رو بود که هم در کتاب «فردوسی و حماسه ملی»، اثر بسیار ارزندهٔ شادروان هانری ماسه^(۱) که خوشبختانه به کوشش آقای دکتر مهدی روشن ضمیر (استاد دانشگاه آذربادگان) در سال‌های اخیر به فارسی برگردانیده شده است، هم در مقدمهٔ «ایران در ادبیات جهان» (تدوین، نگارش و ترجمهٔ آقای شجاع‌الدین شفا و نیز در کتاب «حماسه سرایی در ایران» (تحقیق پرارزش آقای دکتر ذبیح‌الله صفا) به مناسبت اشاره‌هایی به اهمیت و ارزش کار ژول مول رفته است.

گفت و گو در بارهٔ زندگی و کوشش‌های ادبی و فرهنگی این دانشمند کم مانند، شاید در این روزگار که بسیاری از ما کم و بیش بدبختانه دچار بیماری کم‌همتی شده‌ایم نیز خالی از فایده‌تی نباشد، چه آگاهی از همت بلند مردی که در پی آموختن دانش به ترک یارود یارمی گوید و از عنوان‌ها و سمت‌ها در جوانی چشم می‌پوشد و آنگاه که اثری عالی‌قدر همچون شاهنامه را در مغرب زمین تقریباً ناشناخته می‌بیند، نزدیک به چهل سال از عمر خود را بیدریغ صرف ترجمه و نشر آن می‌کند، آگاهی از سخت‌کوشی این قبیل افراد می‌تواند برای ما نیز درسی آموزنده در برداشته باشد.

باری، ژول مول در بیست و پنجم اکتبر سال ۱۸۰۰ میلادی در شهر اشتود کارت در غرب آلمان چشم به جهان گشود. پدرش از خانواده‌ی سرشناس بود و خود سمت سیاسی با اهمیتی را به عهده داشت. مادر وی، که خواهر یکی از پزشکان مشهور زمان

بود، از شخصیت و ذوق و احساسات ممتازی برخوردار بود. سه برادر ژول مول نیز هر یک به مدارجی عالی در زمینه‌های علوم و سیاست دست یافتند. برادر بزرگش، روبر، در سال ۱۸۴۸ به مقام وزارت امپراطوری آلمان و به عضویت پارلمان فرانکفورت و سپس به عضویت مجلس ملی آلمان در برلن رسید و چند هفته پیش از درگذشت ژول چشم از جهان فرو بست. موریس، برادر جوان‌ترش، نیز در اقتصاد سیاسی متبحر بود و در شمار سیاستمداران نامدار روزگار خویش در آلمان درآمد. هوگو، کوچکترین برادر ژول مول، استاد گیاه‌شناسی در دانشگاه توپینگن و مؤسس و رئیس باغ نباتات مشهور آن شهر بوده است.^(۲)

ژول تحصیلات مقدماتی و متوسطه، خود را در «ژیمناز» زادگاهش پایان برده و در سن هیجده سالگی به دانشکده الهیات توپینگن، که در آن روزگار نقش اساسی و بسیار با اهمیت خود را در مسایل الهی با توجه به عقاید مذهب پروتستان آشکار ساخته بود، راه می‌یابد و در سال ۱۸۲۳ به دریافت درجه دکتری در فلسفه و الهیات نایل می‌شود. وی ضمن تحصیل در سال ۱۸۲۱ به دریافت جایزه مسابقه‌یی که در آن دانشگاه در زمینه الهیات مسیحی برگزار شده بود، توفیق می‌یابد. در توپینگن، مول با «گریستیان باور»^(۳)، بنیانگذار مکتب جدید «الهیات انتقادی» همدرس و هم‌عقیده می‌شود و همچون باور، ناراضی از محدودیت‌های تحصیلات مسیحی به منظور توسعه دایرة المعارف خود به تحصیل عبری می‌پردازد و همین امر موجب کشش او به جانب کسب معلومات شرقی می‌گردد و از این رهگذر به مطالعه تاریخ اندیشه و ذوق بشری سخت دل می‌بندد و به آموختن زبان و فرهنگ و ادب دیگر ملل، به عنوان وسیله‌یی ضروری برای نیل به این هدف، می‌پردازد. از این پس از همه

کار دست می کشد و یک باره به آموختن زبان و ادبیات ملت های گیتی مشغول می شود. وی در نامه یی به برادرش موریس می نویسد :

« بررسی اندیشه هایی که جهان انسانیت را اداره کرده است، هدف زندگی من است . » (۴) همین اندیشه های بلند و فلسفی ژول مول را از آغاز تلاش در دانشگاه توینگن به آموختن زبان های شرقی و ادب داشت . به گفته « ارنست رنان » (۵) ، ژول مول متوجه شد که « کلید حل مشکلات بزرگ تاریخ بشریت در آشنایی با اندیشه های مشرق زمین است » (۶) .

در آن هنگام پاریس ، که از او اواخر سده شانزدهم به آشنایی با زبان ها و فرهنگ های ملل شرق اهتمام ورزیده بود ، کانون بی رقیب تحقیقات شرق شناسی در اروپا بشمار می رفت و استادانی همچون « سیلوستر دوساسی » (۷) ، « ابل رموزا » (۸) ، « آنتوان دوشزی » (۹) ، « سن مارتن » (۱۰) ، « گارسن دوتاسی » (۱۱) و جز این ها از شهرت و مرجعیتی بی مانند و انکار ناپذیر برخوردار بودند؛ بنابراین شگفت نیست اگر این درخشش خیره کننده علمی پاریس ژول مول را همانند بسیاری دیگر از دانشدوستان به طرف خود جلب می کند .

ژول مول در سال ۱۸۲۳ به پاریس آمد . یادآوری این نکته بی مناسبت نیست که در آن زمان پاریس تنها از نظر تحقیقات شرق شناسی مرکزیت نداشت بل که انبوه دانشمندان این شهر در همه زمینه ها همان درخشش و کوشش و جوشش و پویایی و امید به پیشرفت را داشتند و برای رسیدن به حقایق امور هیچ مرزی در برابر تلاش ها و پژوهش های خویش نمی شناختند و هر روز کشفی تازه افق های تازه تری را در برابر آنان می گشود . تخصص های علمی ، همانند امروز ، مجزا از یکدیگر

و محدود به دامنه‌ی تنگ، که به صورتی خود خواهانه، خود به تنهایی دنیایی مستقل تصور شود، نبود و همه چیز به مسایل بزرگ فلسفی و تاریخی و مذهبی پیوند می‌یافت. ادبیات نوپا و تازه جوی «رومانتیک» از دانشمندان و پژوهندگان منابع تازه زیبایی را درخواست می‌کرد و محققان برای این که به فیلسوفان و شاعران و هنرمندان، تصویرها و اندیشه‌های نوازانی دارند، بیدریغ می‌کوشیدند و از همین جا جنبش و همچشمی و تلاش و تبادلها و برخورد های همه جانبه‌ی بوجود آمد که بر رویهم پاریس را نزدیک به نیم قرن به صورت مرکزی یگانه در آورد.

ژول مول جوان و جویا طبعاً شیفته پاریس شد. چه وی، نه در استود کارت ونه در توینگن، هرگز با اجتماعی از این دست روبرو نشده بود. او در نخستین نامه‌هایی که از پاریس به کسانش نوشته شکفتی و دلباختگی خویش را در برابر این دنیای کاملاً تازه و این محیط سرشار از علم و مردمی و معرفت بیان داشته است. (۱۲)

مجالس درس سیلوستر دوساسی و ابل رموزا، ژول مول تشنه دانش را بخود مجذوب ساخت. وی زبان چینی را از استادش چنان خوب آموخت که رموزا می‌خواست کرسی تدریس آن را در «کولژ دو فرانس» (۱۳) به وی بسپارد و او را که هنوز بیست و پنج سال نداشت، جانشین خود سازد، اما ژول در آن هنگام هنوز باموطن خود آلمان برای همیشه بدرود نگفته بود. دولت آلمان نیز، برای این که دل بستگی او را به میهنش مستحکم‌تر کند، در سال ۱۸۲۵ وی را به سمت استادی زبان عبری در دانشگاه توینگن برگزید و در عین حال به او اجازه داد تا برای ادامه تحصیل و معلومات خود در زبان های عربی و فارسی همچنان در پاریس باقی بماند. ولی ژول مول هرگز بر کرسی استادی دانشگاه توینگن تکیه نزد و سرانجام در سال

۱۸۳۱ رسماً از آن سمت کناره گرفت. زیرا پاریس بارشته های استواری وی را باخویش پیوند داده بود ژول مول دیگر در آن شهر دوستانی همچون « کوریه » (۱۴) « ژان ژاک آمپر » (۱۵)، « اوژن بورنوف » (۱۶)، « فوریل » (۱۷) و دیگران بدست آورده بود و به قول ارنست رنان « این دوستان هر يك جزئی از زندگی وی را تشکیل می دادند؛ زیرا این گروه باجانی سرشار از عشق به حقیقت در جست و جوهای علمی بایکدیگر همکاری میکردند. آنان می خواستند همه چیز را دریا بندومی پنداشتند که بر همه چیز دست خواهند یافت و دلهایشان از امیدهای بی انتهای لبریز بود. انجمنی از دانشدوستان و روشنفکران این پژوهشگران را تشویق می کرد و برای آنان ارزش و احترام قایل بود. ژول مول در میان این کنجکاوی پیگیر و ثمر بخش خود را سخت خوشبخت احساس می کند، بویژه که از همین هنگام به انسان (۱۸) برجسته و با ذوق و ارزنده بی، که می بایست شریک زندگی وی شود، دل می بندد. بنابراین دیگر هیچ چیز نمی توانست او را از اجتماع پر مهر و ممتازی که پاریس را برای او میهن دومی می ساخت، جدا سازد. کشور فرانسه نیز، که همواره در پذیرفتن بیگانگان از خود گرمی و آزادگی نشان داده است، از همان آغاز دانشمند جوانی را که برای درس گرفتن و پرورش یافتن به دامانش پناه آورده بود، یکی از فرزندان خود تلقی می کرد.

ژول مول، بی آنکه آموختن زبان چینی را رها کند، بیش از پیش به تکمیل معلومات خویش در زبان فارسی روی می آورد و در این راه تا بدانجا پیش می رود که در سال ۱۸۲۶ کار تحقیق درباره شاهنامه و سپس ترجمه کامل متن آنرا به نشر فرانسه آغاز می کند و برای انجام این مهم به وجهی شایسته و بویژه برای بدست دادن

چاپی زیبا و هنرمندانه که درخور این اثر پرارزش و جاودانی باشد، به دریافت فرمان لویی هیجدهم، پادشاه وقت فرانسه، دایر بر استفاده از چاپخانه شرقی بسیار مجهز سلطنتی توفیق می‌یابد.

ژول مول در سال ۱۸۳۰ به انگلستان می‌رود و مدت دو سال در آکسفورد و بویژه لندن به مطالعه ذخایر ادبی و تاریخی کمپانی هند شرقی و نسخه‌های خطی موزه بریتانیا می‌پردازد. این اقامت دو ساله و اثر کی شخصیت وی را که عبارت از جهان بینی کم‌نظیر او است بحد کمال می‌رساند. مول در این مدت با شخصیت‌های دولتی و نظامی و اداری انگلستان که تازه از مأموریت هندوستان بازگشته بودند، آشنایی شود و بوسیله آنان آگاهی‌های گسترده‌اش را در مورد شبه‌قاره هند و تمام آسیا بدست می‌آورد و دوست دانشمند خود «اوژن بورنوف» و دیگران را نیز از کنجینه این معلومات بهره‌مند می‌سازد.

ارنست رنان درباره اطلاعاتی که مول از اینجا و آنجا بدست می‌آورده است، می‌نویسد: «او به منزله هسته مرکزی تحقیقات وسیعی بود که هیچ نکته‌ی را که می‌توانست آگاهی‌های ما را درباره برخی از مهم‌ترین بخش‌های تاریخ انسانیت افزایش دهد، نادیده نمی‌انگاشت.» (۱۹)

در سال ۱۸۴۰، انجمن آسیایی پاریس به وی فرصت آنرا داد تا اندوخته‌های ارزنده دانش و بینش خود را در دسترس همگان قرار دهد، چه در این سال مول بعنوان دبیر انجمن مأموریت یافت تا گزارش‌های سالانه فعالیت‌ها و تحقیقات و انتشارات انجمن را فراهم آورد. وی این گزارش‌ها را از نوشتن صورتجلسات «قالبی» و اداری به گزارش‌های جامع علمی که متضمن اطلاعات ذیقیمت و تحلیل‌ها و بررسی‌های انتقادی

بود تبدیل کرد و از این راه آگاهی‌های بسیار گسترده‌ی خویش و نتایج کاوش‌ها و بررسی‌های دیگر پژوهندگان عضو انجمن آسیایی پاریس را در همه‌ی زمینه‌های خاورشناسی ب مدت بیست و هفت سال متوالی در اختیار عموم قرار داد. ارزش این گزارشها تا بداند انجاست که از نسترنان، جانشین مول در سمت دبیری انجمن، درباره‌ی آن‌ها می‌گوید «اگر مجموعه‌ی این گزارش‌ها تجدید چاپ شود، تاریخچه‌ی کاملی از پژوهش‌های خاورشناسی در میانه‌ی سده‌ی نوزدهم بدست خواهد داد.»^(۲۰)

از آن تاریخ به بعد، انجمن آسیایی یکی از اشتغالات اساسی ژول را تشکیل می‌دهد. ابتدا با سمت دبیر و سپس بعنوان رئیس انجمن، با همت و پشتکار فراوان کوشش‌ها و فعالیت‌های انجمن را افزایش می‌دهد و با حسن تدبیر و کاردانی، گذشته از انتشار منظم مجله‌ی «ژورنال آسیاتیک»^(۲۱) به چاپ و نشر یک سلسله از آثار ارزنده‌ی شرقی دست می‌یازد و از لحاظ مالی نظمی برای انجمن ایجاد می‌کند که بتواند با دشواری‌ها بخوبی مقابله نماید.^(۲۲)

ژول مول، با آزاد اندیشی در خور تجسینی، حیات خود را وقف گسترش دانش می‌کرد. وی در جوانی رؤیای سفرهای دور را در سر می‌پروراند و بعدها، اگر خود نتوانست به این آرزوها برسد، دیگر پژوهشگران را به این کار برمی‌انگیخت تا بداند انجا که تقریباً همه‌ی سفرهای علمی جویندگان دانش به خاور زمین در آن روزگار با تشویق و راهنمایی وی صورت می‌گرفت.

در اینجا بویژه یادآوری این حقیقت شگفت آور لازم است که ژول مول، بی‌آن که به شرق سفر کرده باشد، با بهره‌گیری از آگاهی‌های ژرفی که از خلال مطالعات تاریخی و بخصوص مذهبی خویش بدست آورده بوده است، «پل رامیل بتا»^(۲۳)

کنسول فرانسه در بصره را راهنمایی می کند تا در سال ۱۸۴۵ در بلندی‌های برابر موصل به کاوش بپردازد و او با دو بست تن کارگر نسطوری قریب دو هزار متر مکعب خاکبرداری کرد و دیوارهای منقش از حجاری‌ها و سنگ نبشته‌های آشوری را بدر آورد. ژول مول در سال ۱۸۴۹، پس از پایان مأموریت «بتا» برای پیگیری کار کاوشگران فرانسوی در آن ناحیه راهنمایی خود را دنبال می کند و موجب فرستادن «اوپر»^(۲۴) و «فرنل»^(۲۵) به بین‌النهرین می شود و آن دو در آنجا به کاوش می پردازند و به کشفیات مشهور آن منطقه که موزه «لوور» اینک بسیاری از آن‌ها را دربر گرفته است، دست می یابند. بدین گونه باید به «رمون شواب»^(۲۶) خاورشناس دانشمند معاصر فرانسوی حق داد که ژول مول را بنیانگذار آشورشناسی در جهان می نامد.^(۲۷)

شاید بزرگترین ویژگی روحی و اخلاقی ژول مول در این باشد که به قول هم‌میهن دانشمندش، «ماکس مولر»^(۲۸) «وی دانش را تنها به خاطر دانش و برای ارضاء حس کنجکاوی خویش دوست می داشته و در راه گسترش آن، بی چشمداشت هر گونه پاداشی، می کوشیده و چه بسیار اتفاق می افتاده است که نام و شهرت خود را نیز فدای آن می کرده است.»^(۲۹)

از نمونه‌های دلبستگی مول به دانش، بدون انتظار پاداش و درآمد، کوششی است که با همه گرفتاری‌ها و مشغله‌های بی‌شمار و توان فرسایش، در چاپ و نشر و معرفی آثار دوستان از دست رفته‌اش، فرنل، فوریل، بتا و دیگران کرده است.

ژول مول در سال ۱۸۴۲ رسماً به تابعیت فرانسه پذیرفته شد. در سال ۱۸۴۷ به‌عنوان جانشین «آدمه ژوبر»^(۳۰) به استادی‌زبان فارسی در کولژ دو فرانس بر گرفته شد و پس از مرگ «اوزن بورنوف» در سال ۱۸۵۲ به سمت بازرس بخش شرقی چاپخانه

ملی فرانسه منصوب گردید.

ژول مول، در «فرهنگستان ادب و هنر»،^(۳۱) در «کولژ دو فرانس» و در چاپخانه ملی همان نقش سازنده و راهنما را بعهده داشت که در انجمن آسیایی پاریس، به گفتهٔ ارنست رنان «شخصیت استوار و دقت نظری مانند و تجربه‌ها و آگاهی‌های سودمند علمی از وی پیامبر گره‌گشایی ساخته بود که همگی به هنگام برخورد با دشواری‌ها سخنش را از جان و دل می‌نوشیدند»^(۳۲)

ژول مول، بدین گونه سرگرم کارهای ارزندهٔ خویش، کارهایی که احترام و قدرشناسی همگان را برانگیخته است، رفته رفته به خزان عمر پای می‌نهد. در همین هنگام کار اصلی و بسیار عظیم او یعنی ترجمه و چاپ شاهنامه، به مراحل پایان نزدیک می‌گردد.

پس از درگذشت سیلوستر دوساسی و اوژن بورنوف در حقیقت رهبری و ریاست تحقیقات و مطالعات شرق‌شناسی به عهدهٔ ژول مول است و شهرت و بزرگی شخصیت وی بدانجا رسیده است که بزرگان و رهبران وقتی نیز پادشاهان کشورهای اروپایی با وی مکاتبه و به دوستیش افتخارها می‌کنند^(۳۳)

خانهٔ مول، از دولت حسن خلق و آشنایی ژرف همسران کلیسی نژادش با اجتماع فرانسه و دوستی و مراددهاش با بزرگان و هنرمندان و علما، کانون گرمی است که شخصیت‌های برجستهٔ فرانسوی و غیرفرانسوی در آن گرد می‌آیند و عقاید و آراء کوناگون خود را در معرض سنجش و داوری دیگران قرار می‌دهند.^(۳۴)

وقایع سال‌های ۱۸۷۱-۱۸۷۰، که دومین ژول مول، فرانسه و آلمان را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد نخستین ابرهایی است که آسمان روشن نیکبختی چندین ساله

اورا تیره می‌سازد.

ژول دوران جنگ را در انگلستان می‌گذراند و هنگامی که روزنامه‌های آلمانی داستان‌های نادرستی درباره سبب عزیمت وی به انگلستان منتشر می‌سازند، با متانت خاص خویش به پاسخگویی و اعتراض بر می‌خیزد و طی آن بروشنی اعلام می‌دارد که از آغاز اقامتش در فرانسه تا هنگام نوشتن آن اعتراض «هرگز از فرانسویان جز احترام و نظرافت و خوش رفتاری و مهمان نوازی صمیمانه» ندیده است (۲۵)

مرک ناگهانی برادرش، روبر، که در آخرین هفته‌های سال ۱۸۷۵ رخ داد بر او بسیار گران آمد و بدبختانه با بیماری سختی که بر وی عارض شده بود، همزمان شد. سرانجام او را در شب چهارم ژانویه ۱۸۷۶، یعنی یکصد سال پیش، از پای در آورد. نوشته‌های تحقیقی و ادبی ژول مول بی‌کمان بسیار زیاد و در زمینه‌های گوناگون است و بررسی و ارزشیابی و معرفی آن‌ها از عهده این مقال بیرون بنا بر این تنها به ذکر اهم تحقیقاتی که درباره ایران کرده است، می‌پردازیم:

درباره ایران، نخستین اثر مول که در حقیقت نخستین کار علمی او نیز بشمار است، انتشار بخش‌هایی است از اوستا و شاهنامه فردوسی که به زندگی پیامبر بزرگ ایران زرتشت مربوط می‌گردد. وی این تحقیق را در سال ۱۸۲۹ با همکاری «الس‌هاوزن» * در مجله «علماء اسلام» بطبع رسانیده است. کار دیگر مول درباره ایران ترجمه و انتشار خلاصه‌یی از مجمل‌التواریخ و القصص است که در سال‌های ۱۸۴۱ و ۱۸۴۳ در ژورنال آریاتیک منتشر شد. اما بزرگ‌ترین کار ژول مول همانگونه که می‌دانیم ترجمه شاهنامه فردوسی و طبع متن کامل این شاهکار جاویدان استاد طوس همراه با ترجمه فرانسه آن در هفت مجلد است که بیش از چهل سال از زندگی این دانشمند گرانقدر

وقف آن شده است.

مول، کار تحقیق شاهنامه را همان گونه که اشارت رفت از سال ۱۸۲۶ آغاز کرد و از سال ۱۸۳۱ به ترجمه آن پرداخت. در سال ۱۸۳۸ موفق به انتشار نخستین مجلد آن که شامل مقدمه محققانه بسیار ذی‌قیمتی است، گردید (۳۶) مجلد دوم کتاب در سال ۱۸۴۲ و مجلد سوم در ۱۸۴۶ به بازار آمد. مجلدات چهارم و پنجم در سال های ۱۸۵۵ و ۱۸۶۶ و سرانجام مجلد ششم در سال ۱۸۶۸ پایان پذیرفت. بدبختانه عمر وی به اتمام کامل ترجمه و چاپ مجلد هفتم وفا نکرد و بنا بر نوشته ما کس مول، با پیش آمد جنگ ۱۸۷۰ فرانسه و آلمان و سفر اضطراری مول به انگلستان قسمتی از ترجمه این مجلد نیز دستخوش حوادث شد و از میان رفت (۳۷).

پس از درگذشت ژول مول، شاگرد و مرید و جانشینش «باریه دومنار» (۳۸)، استاد فارسی کولژ دو فرانس، اتمام کار استاد خویش را بعهده گرفت و سرانجام مجلد هفتم را به همان شیوه و به همان صورت بچاپ رسانید و در سال ۱۸۷۸ منتشر ساخت. در همین سال همسر مول نیز چاپ ساده‌بی بدون متن فارسی و تذهیب کاری چاپ اول منتشر نمود که شاهنامه را در دسترس همه فرانسه زبانان قرارداد.

کار بزرگ و گسترده‌بی همچون ترجمه شاهنامه، آن هم با قلت امکانات آن روز گاری گمان خالی از نقص و خطا نمی‌تواند بود و ای بسا که مترجم به سبب در دسترس نداشتن نسخه‌بی منقح و یا چنان که گفته‌اند (۳۹) به علت عدم تسلط بر عروض و اوزان شعر فارسی، با همه تلاش‌هایش (۴۰)، در ضبط یا فهم برخی از کلمات و دریافت معانی دقیق بعضی ابیات دچار لغزش‌هایی نیز شده باشد اما همه کسانی که بادشواری کاری بدین شکر فی و گستردگی آشنایی دارند، می‌دانند که این گونه خطاها

به هیچ روی از ارزش اثری بدین بزرگی نمی‌کاهد.

به هر صورت انتشار ترجمه شاهنامه فردوسی همان گونه که آقای شجاع‌الدین شفا نوشته‌اند « در محافل ادبی و علمی اروپا به صورت (يك واقعه فوق العاده) تلقی شد و نیای غرب ناگهان خود را بایک اثر (خارق العاده) رو بر ویافت که قبلا تصور آن را هم نکرده بود.»^(۴۱) تأثیر سریع و عمیق این ترجمه در محیط ادبی فرانسه را آقای دکتر جواد حدیدی استاد محترم دانشگاه فردوسی در مقاله محققانه‌ی در مجموعه « خراسان و شاهنشاهی ایران » بتفصیل نشان داده‌است^(۴۲).

اگر سخن سنج نامدار و مشکل‌پسند فرانسوی، « سنت بو »^(۴۳)، در سلسله مقالات « محاورات دوشنبه » خود از فردوسی و اثر بزرگ او سخن بمیان آورده و زبان به تحسین وی گشوده است، اگر از نست رنن، دانشمند شهیر فرانسه، شاهنامه فردوسی را « سند بزرگ نبوغ و قدرت خلافت نژاد آریایی » لقب داده است، اگر « ژان - ژاک آمیر » ادیب و مورخ مشهور، فردوسی را « یکی از بزرگ‌ترین شعرای عالم بشریت » نام داده و شاهنامه او را از ایللیاد و ادیسه هومر برتر شمرده است و بالاخره اگر دو شاعر بزرگ فرانسوی، لامارتین و هو گو در آثار از زنده خود از رستم، قهرمان شاهنامه، و فردوسی، خداوند کار شاهنامه، سخن گفته‌اند و بدین گونه نام سرزمین دانش‌پرو و ایران و ادبیات گرانقدر ما را در سراسر گیتی پراکنده‌اند، این همه از دولت همت و پیاوردی دانشمندیست که امر و زیکصدمین سال در گذشت او را همزمان با برگزاری پنجمین هفته فردوسی - در این مکان مقدس گرد آمده ایم و یادش را گرامی می‌داریم.

آری، ژول مول در شناساندن نام ایران و ادب ایران به مغرب زمین نقشی

بزرگ بعهدہ داشته و از این روی بر ایران و ایرانیان حقی بزرگ دارد .
 در پایان بی‌مناسبت نمی‌دانم آنچه را که به انگیزهٔ حق‌شناسی از این مرد
 بزرگ در خاطر مگذشته است (نه به عنوان یک پیشنهاد ، بل که تنها به عنوان
 یک پرسش) ، با استادان دانشمند خراسان در میان گذارم و آن این است که آیا
 شایسته نیست که در هفتهٔ فردوسی، در زادگاه فردوسی و در دانشگاه فردوسی دست کم
 یکی از کلاس‌های درس ادب به نام مردی که فردوسی و اثر جاویدانش را به جهانیان
 شناسانده است ، نام گذاری کرد ؟

یادداشت ها و مأخذ

۱ - Henri Masse مستشرق و ایران‌شناس معاصر فرانسوی متولد ۱۸۸۶ ، استاد
 کرسی‌های فارسی و عربی دانشگاه پاریس و رئیس «مدرسهٔ زبان‌های شرقی که علاوه بر تحقیقات
 و تألیفات فراوانش در زمینهٔ اسلام‌شناسی آثار ارزنده‌یی دربارهٔ ادبیات ایران به فرانسه فراهم
 و منتشر کرده است که مهم‌ترین آن‌ها «فردوسی و حماسهٔ ملی» است که به مناسبت هزارهٔ فردوسی
 در ۱۹۳۳ چاپ شده است. ترجمه‌های زیادی نیز از آثارش و نویسندگان ایران از او منتشر شده
 که برای نمونه باید از دانشنامهٔ علایی (۱۹۵۸-۱۹۵۶) ، بهارستان جامی (۱۹۲۵) ،
 گرشاسب‌نامه، اسدی طوسی، ویس و رامین فخرالدین گرگانی و بالاخره آخرین اثر او (که بعد از
 مرگش که در ۸۳ سالگی در سال ۱۹۶۹ اتفاق افتاد، چاپ شده است) ترجمهٔ مثنوی خسرو و شیرین
 نظامی باید نام برد. ماسه عضو فرهنگستان ایران نیز بود .

۲ - نگاه کنید به : Nouvelle Biographie Générale ,

Paris 1861, T. xxxv, p.p. 768 - 770

۳ - Baur Ferdinand · Christian ، مبلغ مذهبی آلمانی (۱۹۶۰-۱۷۹۲)

و بنیانگذار مکتب مشهور به « مکتب توینگن » است که گرایش به اصالت عقل دارد و از پیروان
 هگل است .

۴ - نگاه کنید به : F. mex Müller, Biographical Essays. London :

1884. P.275 .

۵- Ernest Renan (۱۸۹۲-۱۸۲۳) مورخ، مستشرق و اندیشمند مشهور فرانسویست که «زندگی نامه عیسی» اثر نخستین او اعتراض کلیسایان را برانگیخت. عضو فرهنگستان فرانسه و پس از مرگ ژول مول جانشین او در سمت ریاست انجمن آسیایی پاریس گردید. دانشمندی است با جهان بینی بسیار گسترده و واقع گرای. در رساله «آینده دانش» آزاد اندیشی در کار علمی را با یگانه راه حل دشواری‌های جامعه انسانی می‌داند.

۶ - نگاه کنید به : Journal Asiatique. Juillet. 1876. p.p. 12 - 27

۷ - Antoine-Issac Baron Silvestre de Sacy (۱۸۳۸ - ۱۷۵۸)

خاورشناس نامدار فرانسه که از بدو تأسیس مدرسه زبان‌های شرقی (۱۷۹۵) کرسی عربی را اداره کرده و در سال (۱۸۰۶) به تدریس فارسی در کولژ دو فرانس پرداخت از ۱۸۰۸ به وکالت مجلس ملی فرانسه انتخاب شد و در ۱۸۱۵ رئیس دانشگاه پاریس گردید و در ۱۸۲۳ رئیس مدرسه زبان‌های شرقی بود علاوه بر پژوهش‌های فراوانش در خواندن خط هیر و گلیف با شامپولین همکاری کرد کتاب‌های کلیله و مننه و مقامات حریری را تصحیح و تحشیه و چاپ کرد در سال ۱۸۱۸ پند نامه شیخ عطار را تصحیح و ترجمه و حاشیه نویسی و منتشر نمود. متخصصینی با اتفاق او را بزرگترین و پرمایه‌ترین خاورشناس سده نوزدهم در جهان می‌دانند.

۸ - Abel Rémusat (۱۸۳۲-۱۷۸۸) خاورشناس فرانسوی و استاد کرسی زبان

و ادبیات چینی در کولژ دو فرانس بود او بنیانگذار انجمن آسیایی پاریس در سال ۱۸۲۲ می‌باشد.

۹ - Antoine Leonard De Chezy (۱۸۳۲-۱۷۷۳) خاورشناس فرانسوی

و نخستین استاد سنسکریت در کولژ دو فرانس بود و به زبان فارسی نیز عشق می‌ورزید در سال ۱۸۰۷ لیلی و مجنون جامی را به فرانسه ترجمه کرد.

۱۰ - Claude. De Saint-Martin متفکر معروف قرن نوزدهم فرانسه است

که لقب فیلسوف بی‌نام و نشان و مکتب به او داده‌اند.

۱۱ - Joseph - Garcin de Tassy (۱۸۷۸-۱۷۹۴) خاورشناس فرانسوی

است که تحقیقات وسیعی در هند شناسی از او باقی مانده است در سال ۱۸۳۸ منطق الطیر عطار را تصحیح و ترجمه و منتشر کرد.

۱۲ - مراسلات A-Marie, J.J-Amper جلد دوم صفحه ۸۴. نقل از Renan.

۱۳ - Collège de France، مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرانسه که در آغاز عصر

رنسانس در سال ۱۵۳۰ میلادی به دستور فرانسوای اول خارج از حیطه دانشگاه سوربن که در

آن زمان بیش تر جنبه مدرسه الهیات داشت تأسیس گردید و زیر نظر Guillaume Bude

تحت عنوان مؤسسه سلطنتی مطالعات بادوکرسی عبری و یونانی آغاز بکار کرده، در سال ۱۵۳۴ به نام مؤسسه مطالعات السنه ثلاث (یونانی-عبری و لاتین) توسعه یافت. در دوره‌های مختلف تاریخ پرفراز و نشیب فرانسه به تناسب موقعیت حکومت‌ها نام‌های گوناگونی بخود گرفت مثلاً در دوره انقلاب کبیر به مؤسسه ملی و در عهد ناپلئون مؤسسه امپراطوری و بالاخره از ۱۸۱۵ با نام کولژ دو فرانس کار بزرگ فرهنگی خود را ادامه داد. در این مؤسسه فرهنگی با سابقه متخصصین و استادان چه دانشگاهی و چه غیر دانشگاهی محافل درس و بحث تشکیل می‌دهند و هم‌اکنون در زمینه‌های بسیار گوناگون مجالس درس در آن برقرار است. استادان بزرگی چون سیلوستر دوساسی، آبل رموزا، کلود برنار، کوویه، میشله، رنان، برگسون، پل والر... در آن تدریس کرده‌اند. شرکت در جلسات درس و بحث این مؤسسه برای همگان آزاد است و هیچگونه امتحان یا مدرک تحصیلی هم ندارد.

۱۴ - Georges·Baron de Cuvier (۱۷۶۹-۱۸۳۲) دانشمند مشهور و طبیعی‌دان بزرگ فرانسوی عضو فرهنگستان فرانسه، استاد کولژ دو فرانس و رئیس باغ نباتات پاریس بنیان‌گذار علم تشریح مقایسه‌یی و بخصوص علم فسیل شناسی که با خانواده مول ارتباط داشته و موجب آشنایی ژول با بزرگان و دانشمندان فرانسوی در پاریس شده است.

۱۵ - Jean Jacques Ampere (۱۸۰۰-۱۸۶۴) پسر امپرفیزیکدان نامدار فرانسوی و خود مورخ و ادیب و منتقد قرن نوزدهم فرانسه است که به مناسبت اطلاعات وسیعش از زبان‌ها و ادبیات مختلف در کار نقد ادبی خود بخود جنبه مقایسه و مقابله را پیش می‌کشد و لذا یکی از اولین متخصصین ادبیات تطبیقی به حساب می‌آید. امپراستاد کولژ دو فرانس و عضو فرهنگستان فرانسه نیز بود.

۱۶ - Eugene Burnouf (۱۸۰۱-۱۸۵۲) زبان‌شناس فرانسوی است که با استفاده از خط و زبان سنسکریت کتاب زندو اوستا را بازخواند و در سال ۱۸۳۳ تفسیری بریستان منتشر نمود.

۱۷ - Claude charles Fauriel (۱۷۷۲-۱۸۴۴) زبان‌شناس فرانسوی، استاد کولژ دو فرانس از دوستان دوره جوانی همسر مول بوده است.

۱۸ - Marie Elisabeth·Clarke (۱۷۹۳-۱۸۸۳) از سوی پدر نجیب‌زاده ایرلندی و از جانب مادر اسکاتلندیست که برای فراگیری زبان فرانسه در ۱۸۱۱ همراه با مادر بزرگش به فرانسه می‌آید و در پاریس در همسایگی مادام رکامیه (Récamier) معشوقه ژزیبای شاتوبریان مستقر می‌گردد و با آنها رفت و آمد پیدا می‌کند بدین وسیله با بزرگان علم و ادب

آشنا می‌شود در ۲۷ سالگی به ژولمول دل می‌بندد و با هم ازدواج می‌کنند. به تقلید زن‌های سرشناس زمان سالتن ادبی در خانه مول ترتیب می‌دهد و مجلس امور کز ایجاد رابطه هنرمندان و اهل علم با سیاستداران و بزرگان می‌شود. زنی خوش ذوق و با سلیقه و هنرشناس و مردمدار بود که در موقت همسرش نقشی اساسی داشته است. برای اطلاعات پیش‌تر رجوع شود به:

1-Dictionnary of National BiogrePhy. Sidney Lee. London

1894 vol xxxv. III. P. 104 - 105 .

2 - Moderne English BiogrePhy. F. Boase . London. vol 2. P. 913.

19 - E. Renan. Rapport Sur Les Travaux du Conseil de la SocieAsiatique Pendant L'annee 1875-1876. Fa. T A. la Séance Annuelle de la Société le 28 Juin 1876. Journal Asiatique. p. 22

۲۰ - همان مأخذ ص ۲۳

21 - Journal Asiatique .

22- L. Finot Le Livre du Centenaire paris. 1922. p 29.

۲۳ - Paul Emile Botte (۱۸۷۰-۱۸۰۲) ، دیپلمات و جهانگرد دانشمند فرانسویست که پس از بازدید از مصر و ماموریت در تریپولی مأمور اداره کسولگری فرانسه در بصره می‌شود و بارها نیمی و تشویق ژول مول کاوش‌هایی را در نینوا آغاز می‌کند. موفق به کشف آثار تاریخی آشوری آن منطقه می‌شود. *گام‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۲۴ - Jules Oppert (۱۹۰۵ - ۱۸۲۵) ، مستشرق و باستان‌شناس فرانسوی

آلمانی نژاد که مانند ژول مول به پاریس آمد و در ۱۸۴۵ به تابعیت فرانسه درآمد و همراه فرنتل مأمور کاوش‌های ناحیه خرمس آباد در بین‌النهرین شد. او در سال ۱۸۷۲ استاد آشورشناسی در کولژ دو فرانس بود.

۲۵ - Fulgence Fresnel (۱۸۵۵ - ۱۷۹۵) ، هم‌زاده نویسنده و باستان‌شناس

مشهور برو-سپرمریمه ، یکی از خاورشناسان فرانسویست که تحقیقات و کاوش‌هایش در بین‌النهرین منجر به کشفیات عظیم آن ناحیه گردید و در بغداد وفات یافت .

۲۶ - Raymond Schwab (۱۹۶۰ - ۱۸۸۲) ، شاعر و مستشرق دانشمند

معاصر فرانسه که علاوه بر حماسه « فرود » نوشته‌ها و تحقیقات فراوان و با ارزشی در زمینه معرفی ادبیات و فرهنگ‌های خاور زمین از او باقی مانده است . مهم‌ترین کتاب او در زمینه ادب و فرهنگ

شرق کتاب « La Renaissance Orientale » « تجدید حیات شرقی » است که در ۱۹۵۰ در پاریس بچاپ رسیده و در آن تأثیر اندیشه های شرقی را از اواسط قرن هیجدهم موجب بیماری و تحول فکری و ذوقی در اروپا می داند و نقش ایران را در این باره بسیار ثمر بخش یاد کرده است .

۲۷ - نگاه کنید به :

La Renaissance Orientale R. Schwab , Paris , 1950 . P . 336

۲۸ - Friedrich Max . Muller (۱۹۰۰ - ۱۸۲۳) مستشرق ، زبان شناس

و هند شناس مشهور آلمانی است که Rig - Veda چاپ و منتشر نموده است .

۲۹ - نگاه کنید به :

F . Max . Muller Biographical Essays . London . 1884 . P . 248

۳۰ - Pierre Amedee Jaubert (۱۸۴۸ - ۱۷۷۹) . سیاستمدار و

خاورشناس فرانسویست که با هیأت گاردان به ایران آمد او بعد ها استاد زبان فارسی و نیز رئیس مدرسه زبان های شرقی پاریس شد .

۳۱ - Académie Des Inscriptions Et Belles Lettres یکی از

بخش های پنجگانه Institut De France است که از سال ۱۶۶۳ بوسیله کونفر

از فرهنگستان فرانسه مجزا گردید و چهل نفر اعضای دائمی آن از بین بزرگ ترین مورخان و باستان شناسان و زبان شناسان فرانسوی انتخاب می شوند .

۳۲ - ژورنال آسیاتیک ژوئیه ۱۸۷۶ ، ص ۲۲

۳۳ - رمون شوپ ، تجدید حیات شرقی صفحه ۳۳۷

۳۴ - ارنست رنان ، مقاله یاد شده

۳۵ - ماکس مولر . کتاب یاد شده صفحه ۲۷۷

۳۶ - در مورد ارزش کنونی مقدمه شاهنامه مول نگاه کنید به کتاب « حماسه سرایی در

ایران » تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، تهران چاپ سوم ۱۳۵۲ ، صفحات ۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۳

۳۷ - ماکس مولر . کتاب یاد شده ص ۲۷۶

۳۸ - Casimir Barbier de Meynard (۱۹۰۸ - ۱۸۲۶) مستشرق دانشمند

و استاد زبان های عربی ، ترکی در مدرسه زبان های شرقی است که در سال ۱۸۷۶ پس از

مرگ مول به استادی زبان فارسی در کولژ دو فرانس منصوب گردید . علاوه بر تکمیل ترجمه

شاهنامه مول از « شیون باربد بر مرگ خسرو » تا پایان شاهنامه خود تحقیقات فراوانی در زمینه ایران‌شناسی دارد که از آن جمله باید از ترجمه معجم البلدان، توصیف قزوین از تاریخ گزیده و وضع ادبی خراسان و ماوراءالنهر در قرن چهارم هجری نام برد.

۳۹ - نگاه کنید به : Le Livre Du Centenaire C. Huart P. 153

۴۰ - از نمونه‌های بارز دقت نظر و کوشش ژول مول برای حل معضلات شاهنامه و فهم درست معانی برخی عبارات مبهم آن یکی توضیحی است که خود در مقدمه جلد دوم شاهنامه ذکر می‌کند :

ژول مول در فهم بیت زیر :

کف شاه محمود عالی نبار
نه اندر نه آمد سه اندر چهار

درمانده بوده است و برای حل این معما پس از جست و جویهای زیاد و بی نتیجه در پاریس سرانجام از کازیمیرسکی خاورشناس معروف که در سال ۱۸۴۰ به عنوان مترجم سفارت فرانسه عازم تهران بوده درخواست می‌کند این مشکل را با ادیبان ایرانی در میان گذارد. وی هم از « ملا محمد علی » نامی در این باب نظر می‌خواهد. ملا محمد علی می‌گوید که فردوسی در این بیت به « حساب العقد » اشاره کرده است؛ زیرا بنا بر قراردادهای این نوع محاسبه هر گاه انگشتان دست کسی کاملاً بسته باشد، نشانه عدد ۸۱ است، و هر گاه چهار انگشت بسته ولی انگشت شست باز باشد، نشانه عدد ۱۲ است مراد فردوسی این بوده که سخاوت و کرم سلطان محمود مانند « مثنی بسته؛ نه اندر نه = ۸۱ » و یا حداکثر « مثنی نیمه باز : نه اندر چهار = ۱۲ » است. نقل از نوشته دکتر جواد حدیدی، فردوسی در ادبیات فرانسه، خراسان و شاهنشاهی ایران، چاپ دانشگاه مشهد شهریور ۱۳۵۰ زیر نویس صفحه ۵۳.

۴۱ - ایران در ادبیات جهان، تهران، اسفند ماه ۱۳۳۲، چاپ اول صفحات ۱۴ و ۱۵

۴۲ - خراسان و شاهنشاهی ایران. مجموعه‌ی مقالات تحقیقی استادان دانشکده ادبیات

و علوم انسانی دانشگاه مشهد ۱۳۵۰ (فردوسی در ادبیات فرانسه) صفحات ۸۶ - ۴۱

۴۳ - Charles - Augstin Sainte - Beuve (۱۸۶۹ - ۱۸۰۴) منتقد،

شاعر و نویسنده نامدار قرن نوزدهم فرانسه.